

نگاهی به نوآوری‌های حسین منزوی در غزل

مسعود اکبرزاده^۱، علی وفایی^۲

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنديه

چکیده

حسین منزوی از شاعران توانای معاصر در عرصه غزل است که در اشعار خود تکنیک‌ها و ظرافت‌های بسیاری به کار برده است. او را باید از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان معاصر دانست که ضمن وفاداری به ساختار سنتی غزل، در زبان و دایره واژگان نوآوری‌های دل‌نشینی را رقم زده است. بنابراین در این مقاله که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، نویسندگان درصدد تبیین نوآوری‌های این شاعر برجسته‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند: نوآوری‌های منزوی در غزل چیست؟ و چه ویژگی‌هایی زبان غزل‌های وی را برجسته ساخته است؟ نگارندگان پس از بیان مبانی نظری و معرفی نویسنده، نوآوری‌ها و هنجارشکنی‌های این شاعر را در سطوح مختلف غزلیات وی، بررسی و به همراه نمونه‌های شعری ذکر نموده‌اند. ترکیب دو شیوه سنتی و نو، نوآوری و برجسته‌سازی در سطوح مختلف شعری اعم از موسیقی، نحو، بلاغت و ... از نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: نوآوری، برجسته‌سازی، حسین منزوی، غزلیات.

۱- مقدمه

تأثیر مستقیم فرمالیسم را در نظریه‌های ادبی قرن حاضر، نمی‌شود نادیده گرفت؛ زیرا ظهور فرمالیسم، تحولات عمیق و بنیادینی نیز در قلمرو ادبیات پدید آورد، چنانکه بسیاری از مکتب‌های ادبی قرن بیستم، منشأ حیات خود را از فرمالیسم می‌دانند. «فرمالیسم (صورتگرایی) روسی به مکتبی اطلاق می‌شود، که در آستانه ۱۹۲۰، در روسیه شکوفا شد.» (سجودی، ۱۳۸۴: ۴۳).

«برجسته سازی» شعر شگرد مورد توجه فرمالیست‌هاست و آن «نشانگر کاربرد یک رسانه و خودنمایی آن در مقابل پس زمینه‌ای پاسخ‌های خودکار است.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۶۱). این جریان شعر نو بر قالب‌های کهن نیز تأثیر داشته است. «مطالعه تأثیر شعر نو بر قالب‌های کهن نشان خواهد داد که این تأثیر در غزل، ابعادی نمایان داشته است. در سال‌های پیش از انقلاب، گذشته از اصحاب شعر نو که از سر تفتن غزل سروده‌اند و در غزل تفتنی خود نیز نوگرا بوده‌اند، تعداد شاعرانی که می‌توان غزل سرا نامید و در عین حال نوآوری و تحول در غزل را منظور نظر داشته‌اند، بسیار اندک است.» (باقری، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۰).

یکی از این شاعران حسین منزوی است. او را باید از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان معاصر دانست. از ویژگی‌های برجسته در غزل وی که باعث رواج و گسترش آن در بین خوانندگان شده، بهره‌گیری از نوآوری و خلاقیت‌های جدیدی است در کنار سنت‌های ادبی کلاسیک است. حسین منزوی به خاطر علاقه به زبان و ادبیات کلاسیک فارسی همواره در سرودن اشعارش از زبان و بیان گذشتگان بهره بسیار برده است؛ اما این علاقه به سنت مانع نوآوری در شعر او نشده است. در این پژوهش نویسندگان بر آنند که نوآوری‌های حسین منزوی را در سطوح مختلف غزل‌های وی (سطح واژگان، دستوری (نحوی)، آوایی، بلاغی) بررسی نمایند.

۲- پیشینه تحقیق

برخی از مقالات و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده عبارتند از: «نگاهی به نوآوری‌های محمدعلی بهمنی در فرم غزل» و «تکرار واژه از شگردهای برجسته‌سازی در غزل حسین منزوی» به قلم فاطمه مدرسی و رقیه کاظم زاده؛ «سلم خاسر و نوآوری در شعر عربی» نوشته باقر زرین؛ «مضامین غزل‌های حسین منزوی» نگارش جاوید قربانی؛ «نوآوری‌های هنری در عاشقانه‌های بیدل دهلوی» از عبدالرضا مدرس زاده؛ همچنین «کهن‌گرایی و نوآوری در شعر ملک الشعرای بهار» نوشته حسین آقا حسینی؛ «باز خوانی اجمالی گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران» به قلم شهلا نظری و محمد حکیم آذر؛ و «نوآوری در شعر قیصر امین پور» نگارش سهیلا صلاحی مقدم.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- نوآوری

نوآوری مانند سنت هم در معنی لغوی و هم در معنی‌ای که در شاخه‌های مختلف ادبی و غیرادبی به کار می‌رود قابل بررسی است. در لغت‌نامه دهخدا نوآوری به این معانی به کار رفته است: «عمل نوآور، ابتکار، ابداع، بدعت‌گذاری، اختراع، ایجاد هر چیز تازه و نو» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه نوآوری).

«اولین معنی نوآوری در شعر، توان تغییری است که شعر در ارتباط با ماقبل و مابعد خود دارد. یعنی از یک سو توانایی خروج از گذشته و از دیگر سو توان در برگرفتن آینده. هر شعر نوی از دو امر پیوسته به هم پرده برمی‌دارد: چیزی نو که گفته می‌شود

و شیوه‌های گفتار نو. نشانه‌ی نو بودن در اثر شعری هم توان دگرگون‌سازی آن است که در مسیر تفاوت‌ها و افزودن‌ها در بستر اختلاف آنها با آثار گذشته و غنی کردن حال و آینده آشکار می‌شود.» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵)

۳-۲- برجسته‌سازی

برجسته‌سازی عبارت است از به‌کارگیری عناصر زبان به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند و غیرمتمعارف باشد. برجسته‌سازی انحراف از زبان معیار است؛ هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. موکارفسکی برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و معتقد است که هر اندازه فرایندی آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کمتری برخوردار است... در فرآیند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرار گیرند که البته از بین این عوامل دو اصل «رسانگی» و «زیباشناسی» اهمیت بیشتری دارند (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۵۲-۳۲). گفتنی است که برجسته‌سازی فرایندی است که صورت‌نگرایان روس مطرح کرده و آن را از عوامل به وجود آورنده زبان ادبی خوانده‌اند: «این برجسته‌سازی یا به شکل قاعده‌افزایی یعنی افزودن چیزی بر برونه زبان مانند وزن‌های عروضی، یا به شکل هنجارگریزی یا قاعده‌گاهی یعنی حرکت از حالت هنجار و معمول زبان و آفریدن صورتهای بدیع، شکل می‌گیرد.» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۸۶ و ۸۷).

۴- معرفی حسین منزوی

منزوی در مهر ماه ۱۳۲۵ ه. ش در شهرستان زنجان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و از دبیرستان صدر جهان دیپلم ادبی خود را گرفت (نیرومند، ۱۳۴۷: ۱۴۰). در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات تهران شد (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۸). او بنابر شرایط روحی خود این رشته را رها کرد پس از گذشت بیش از ده سال مجدداً به تحصیل روی آورد و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک لیسانس گردید (کاخی، ۱۳۷۰: ۳۸۴). منزوی به سرعت خود را در محافل ادبی مطرح کرد و به چهره ادبی محبوبی تبدیل شد (جواهری گیلانی، ۱۳۸۲: ۵۰۲). وی به سبب روحیه خاصی که داشت هرگز به شغلی ثابت روی نیاورد. او مدتی مسئول صفحه شعری «مجله رودکی» بود. بعد از آن منزوی برنامه‌ای به نام «یک شعر و یک شاعر» را هفته‌ای یک بار در رادیو اجرا می‌کرد. به علاوه هفته‌ای یک بار نیز در شبکه دوم سیما مجری برنامه‌ای به نام «گروه ادب امروز» بود که نادر نادرپور آن را سرپرستی می‌کرد. پس از انقلاب مدتی مسئول صفحه شعر مجله سروش بود که سردبیری آن بر عهده پرویز خرسند بود (نیرومند، ۱۳۴۷: ۳۳۱).

حسین منزوی در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد؛ اما زندگی مشترک آنها دوامی نداشت و در سال ۱۳۶۰ از همسر خود جدا شد و پس از آن تا پایان عمر خود مجرد ماند. ثمره این ازدواج دختری به نام غزل است که منزوی تعدادی از غزلیات خود را به نام و اشتیاق او سروده است حسین منزوی با تمام شکوه و عظمتش، چون یک ستاره دنباله دار، سرانجام در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در سن ۵۸ سالگی بر اثر عارضه قلبی و بیماری ریوی در بیمارستان شهید رجایی تهران، برای همیشه دست جهان را فشرده (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۴). آثار حسین منزوی در سه دسته آثار منظوم، آثار منثور و ترجمه‌ها معرفی می‌شوند.

- **آثار منظوم:** حنجره‌ی زخمی‌تغزل، صفرخان، با عشق در حوالی فاجعه، از شوکران و شکر، با سیاوش از آتش، از کهربا و کافور، از ترمه و تغزل، به همین سادگی، با عشق تاب می‌آوریم، از خاموشی‌ها و فراموشی، همچنان از عشق، این کاغذین جامه، تیغ و ترمه و تغزل، فانوس‌های آفتابی.

آثار منثور: این ترک پارسی‌گوی، دیدار در متن یک شعر، مقدمه بر دو مجموعه شعر «آتش در نیزار» و «مه در محاق».

ترجمه‌ها: ترجمه منظومه ترکی «حیدر بابا» اثر استاد محمد حسین شهریار، تیغ زنگ زده.

۵- نوآوری‌های حسین منزوی در غزل

آنچه که بیش از هر عنصر دیگر شعر منزوی را مطمئن کرده و به بنیادش استواری بخشیده است، استفاده خاص وی از زبان است. زبان که مجموعه از عناصر منطقی و منظم از واژگان و ترکیبات است در غزل منزوی صورت و شکلی ویژه یافته است. برجستگی‌های زبانی غزل منزوی از عناصر برتر شعر وی محسوب می‌شود. ساختار زبانی که شامل عناصری چون واژگان، ترکیبات، آواها و موسیقی کلام و ساخت دستوری جملات است در غزل منزوی لون و رنگی متفاوت از سایر غزل سرایان معاصر دارد. کاربرد کلمات کهنه و نوی فارسی در کنار هم، استفاده از زبان ساده و بی تکلف معاصر و بهره‌گیری از عناصر زبانی عامه از شگردهای منزوی است. نگارنده در این فصل به بررسی نوآوری‌های حسین منزوی در چهار سطح زبانی (واژگانی)، دستوری (نحوی)، آوایی (موسیقایی) و بلاغی پرداخته است.

۵-۱- نوآورهای واژگانی

۵-۱-۱- واژگان

واژگان آرکائیک

آرکائیسیم در واقع هنجارگریزی زمانی است. گاهی اوقات شاعران واژگانی را وارد شعر می‌کنند و توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند. این یکی از خصایص زبانی منزوی محسوب می‌شود. «غزل امروز باید با کلماتی که از نظر «استادان»! مطرود و غیر شاعرانه قلمداد شده‌اند، آشتی کند. یعنی همان کاری که شعر نیمایی کرده است. گیرم که این کلمه‌ها گاهی باعث ایجاد نوعی خشونت و ناهموازی در زبان بشوند. خوب! چه اشکالی دارد که زبان عاشقانه ما نیز خشن، ناهموار و حتی صیقل نخورده و نتراشیده باشد؟ مگر زندگی ما و عشق‌های ما چنین نیست؟» (منزوی، ۱۳۸۷: ۲۱).

نمونه واژگان کهن در آثار منزوی: «نیارستن» (۸۵)^۱؛ «مایست» (۴۳)؛ «آن سان» (۷۵)؛ «می‌زارد» (۱۰۶)؛ «مصب» (۱۶۸)؛ «گرده» (۴۸۳) و ...

واژگان مأنوس و نامأنوس (رایج و غیر رایج):

شاعران امروز با به کارگیری واژه‌هایی که تا پیش از دوره معاصر اجازه ورود به ساحت شعر را نداشتند و نیز با استفاده از واژه‌های تازه‌ای که در زبان روزمره امروز به کار می‌رود، در کنار واژه‌های گذشته، به گسترش و توسع زبان شعر کمک می‌کنند» (حسن لی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). منزوی در غزلیات خود به فراوانی از واژگان امروزی استفاده کرده است. از مهمترین عوامل تفاوت غزل منزوی با غزل غزل سرایان سنتی، گرایش وی به استفاده بیشتر از واژگان رایج در زبان امروز است. نمونه این واژگان در مجموعه اشعار منزوی: «کتاب» (۳۵)؛ «خیابان» (۶۸)؛ «خاشاک» (۱۰۲)؛ «بختک» (۱۰۹)؛ «نورانی» (۲۱)؛ «پوچ» (۲۲)؛ «شیشه» (۲۶)؛ «ناودان» (۶۶)؛ «پیراهن» (۴۵)؛ «آینه» (۵۵) و ...

اما گاهی با مطالعه اشعار منزوی به واژگانی برخورد می‌کنیم که نارایج و نامأنوسند. واژگانی چون: «قیلوله» (۱۲۳)؛ «پریچه» (۴۳)؛ «افیون زده» (۸۴)؛ «شکرشکنت» (۴۴)؛ «غبارآگین» (۱۴۲).

^۱ تمامی نمونه‌ها از کتاب مجموعه اشعار حسین منزوی به کوشش فتحی، سال ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه انتخاب شده است.

واژگان علم ریاضی: در اشعار حسین منزوی گاهی با واژه‌های ریاضی مواجه می‌شویم که تعداد آن بسیار کم است. واژه‌ها و اصطلاحاتی چون «منها»، «ضرب»، «حاصل جمع» و «عدد صفر» (۴۸۵)؛ «خط موازی» (۳۱۳).

واژگان مرکب نو

یکی دیگر از نوآوری‌های حسین منزوی در بخش زبان استفاده از واژگان مرکب نو است. واژگانی که در دوره معاصر وارد زبان و ادب شده‌اند.

نمونه‌هایی از این واژگان: «عقربک» (۴۳۸)؛ «خشماخون» (۴۴۹)؛ «آذرخشانه» (۳۲۸)؛ «وسوسه‌بو» (۱۷۷)؛ «خوش خیم» و «بدخیم» (۴۳۸)؛ «گل پوچ» (۳۰۶)؛ «هندآواز» (۴۳۷)؛ «شکایت ور» (۳۶۷)؛ «پلنگانه» (۸۳)؛ «دریاگذر» (۴۵۳)؛ «گنگ دیده» (۱۳۵)؛ «کویاکوی»، «جویاجوی» و «سویاسوی» (۶۲۷) و

۵-۱-۲- ترکیبات

ترکیبات نو

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان شعری حسین منزوی ترکیبات نو و جدیدی است که در اشعارش دیده می‌شود. این ترکیبات سبب توجه بیشتر خواننده می‌شود.

نمونه‌هایی از این ترکیبات عبارتند از: زبانه‌های بلا « (۲۷۶)؛ «دفتر رنگین شناسایی»؛ «غروب یک نبوغ» (۴۰۴)؛ «روح بادبادکی» (۴۵۶)؛ «باغ آهنی» (۴۲۴)؛ «مرگ سکون» (۱۴۲)؛ «امواج زنجیری» (۱۴۸)؛ «دستهای سیمانی» (۲۴۸)؛ «خیابانهای شوخ مهربانی» (۳۱)؛ «میزهای خواب» (۱۲۹)؛ بسامد ترکیبات نو در شعر منزوی بسیار است؛ زیرا وی شاعری اهل ذوق و در جستجوی ترکیبات نو و تازه است. او در این زمینه می‌گوید: «غزل امروز با ید با کلماتی که از نظر استادان، مطرود و غیر شاعرانه قلمداد شده‌اند، آشتی کند. یعنی همان کاری که شعر نیمایی کرده است. گیرم که این کلمه‌ها گاهی باعث ایجاد نوعی خشونت و ناهمواری در زبان بشوند. خوب چه اشکالی دارد که زبان عاشقانه ما نیز خشن، ناهموار و حتی صیقل نخورده و نتراشیده باشد؟ مگر زندگی ما و عشق‌های ما چنین نیست؟» (منزوی، ۱۳۸۵: ۲۱).

ترکیبات سنتی

حسین منزوی در کنار استفاده از ترکیبات نو، از ترکیبات سنتی نیز سود برده است. او به خوبی از این مسأله آگاه بوده است که وجود ترکیبات نو و سنت در کنار هم به برجسته شدن اشعار و زیباتر شدن آن کمک می‌کند. ترکیباتی چون «سر گیسو» و «باده گساری» در بیت زیر:

تا نسیم سرگیسوی شلالت ساقی است
باده بگذار، که از بادگساری مستم (۲۹۷).

او با کاستن یک حرف از واژه سنت بادگساری و تبدیل آن به بادگساری دست به قاعده کاهی زد و به شعرش برجستگی بخشید. همچنین است ترکیباتی چون «نیمه جان» (۴۸۹)؛ «ستاره دنباله دار» (۶۰)؛ «شریک دزد» (۱۵۷) و ... باید گفت بسامد ترکیبات نو در غزل منزوی از ترکیبات کهن بیشتر است.

۵-۲-نوآوری‌های دستوری (نحوی)

در سطح نحوی نخستین مسأله و کارکردی که از نوع زبان باید بررسی شود، نظم و ترتیب آرایش کلمات در جملات یعنی انواع گروه‌های قیدی، اسم، وصفی و فعلی بررسی می‌شود.

باید گفت منزوی غزل یکدست و ساده از نگاه دستور زبان ندارد، بلکه در بررسی غزل منزوی، به این نکته پی می‌بریم که وی از هنجارگریزی در قواعد دستور زبان، بهره می‌گیرد. قید را به گونه‌ای دیگر استفاده می‌کند، نظم ارکان جمله را برهم می‌زند و از افعال و اسم‌های کهن در غزل نو استفاده می‌کند. نمونه این‌گونه کارکرد زبان در شعر بزرگانی چون نیما، اخوان، شاملو، سپهری و... دیده می‌شود. «بر خلاف تقید شاعران کهن به قواعد دستور زبان، شاعران نوپرداز، با حفظ دو اصل رسایی و زیبایی، گاه در ساختمان دستور زبان دخالت می‌کنند و بدین گونه ظرفیت‌های کلامی تازه‌ای می‌آفرینند.» (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۸).

۵-۲-۱-فعل

آرکائیسیم

باستان‌گرایی و آرکائیسیم یکی دیگر از انواع نوآوری در زمینه افعال است. حسین منزوی گاه افعال کهن را در سرودن اشعار به کار برده و نوعی هنجارگریزی زمانی انجام داده است. مانند: «موئیدن» (۴۹۲)؛ «ندانند» به معنی نتوانند و «ستردن» (۱۵۲)؛ «دست بردن» (۳۲۳).

جدا کردن نه از فعل نفی

جدا کردن نه از فعل نفی در صفحات (۱۱۵) و (۳۴۶).

تکرار فعل

دیگر موارد تکرار فعل است در نمونه‌های زیر: تکرار افعال «جوشیدن» (۲۸۰)؛ «خواهد بود» (۱۳۳)؛ «لب نگزیدن» (۳۹۶)؛ می‌شود» (۴۸۵).

وارد کردن افعال عامیانه در غزل

از دیگر نوآوری‌های منزوی در فعل وارد کردن افعال عامیانه در غزل است مانند: «شتک زدن» (۸۷)؛ «گر گرفتن» (۲۵۲) و... .

۵-۲-۲-عبارت فعلی

عبارت فعلی به نوعی از فعل می‌گویند که حداقل از سه بخش تشکیل شده و همه با هم معنای واحدی می‌دهند. یکی از موارد نوآوری در دستور عبارت‌های فعلی است. این عبارت‌های فعلی بیشتر جنبه کنایی دارد. نمونه‌ای از این نوآوری‌ها: «پلها را پشت سر خود شکستن» (۲۶)؛ «گریه خود را خوردن» (۷۳)؛ «دل خوش کردن» (۷۲)؛ «به فراموشی سپردن» (۲۵) و... .

۵-۲-۳- قید

قید کلمه است که توضیحی درباره فعل می‌دهد و مفهوم زمان، مکان، مقدار، چگونگی، یا مفهومی جز آن را می‌رساند. کاربرد نوعی تازه از قید، از دیگر هنجارشکنی‌های دستور زبانی در غزل منزوی است. او با قید "همیشه" بیش‌تر از دیگر قیدها هنرنمایی می‌کند. شاعر در مصراع زیر به جای این که بگوید: مشامم همیشه ...، می‌گوید: «همیشه‌های مشام» و این گونه واج آرایی ایجاد می‌کند. (۴۴) نمونه دیگر «تا» تحذیر است که باید قبل از فعل نهی بیاید ولی در بیت زیر پس از آن ذکر شده است:

بگو در سایه سارم دوست یا دشمن بیاسایند نگوئی تا که از ایثار خود امساک دارم من (۱۸۱)

۵-۲-۴- حرف

یکی از دیگر نوآوری‌های منزوی در حوزه حروف است. یکی از انواع کلمه حرف است که به تنهایی معنا ندارد و با پیوستن به کلمه دیگر معنا پیدا می‌کند. منزوی از حروف به چند شکل در نوآوری استفاده می‌کند:

• حرف‌گرایی

شمیسا در این باره می‌گوید: «تشبیه و شکل و موقعیت حروف الفبا را حرف‌گرایی نامیده‌اند. این آرایه در اشعار شاعران گذشته نیز مورد توجه بوده است، اما در بدیع سنتی نامی ندارد. (شمیسا، ۱۳۸۴: ۸۳). حسین منزوی گاهی حروف الفبا را در خدمت می‌گیرد. این مورد در شعر حسین منزوی دیده می‌شود. البته میزان آن اندک است. در بیت زیر دو حرف «واو» و «دال» نوعی حرف‌گرایی است

می‌کنم الفبا را روی لوحه سنگی واو مثل ویرانی، دال مثل دلتنگی (۴۶۱)

• به کارگرفتن حروف برای ایجاز

مثلاً در نمونه زیر از واو حالیه در مصرع دوم برای ایجاز و کوتاه کردن جمله استفاده می‌کند.

دردا که هدر دادیم، آن ذات گرامی را تیغیم و نمی‌بریم، ابریم و نمی‌باریم (۲۷)

۵-۲-۵- جمله بندی

نوآوری‌های حسین منزوی در نحو و ساخت جملات، جابجایی اجزایی جمله بر خلاف عرف و عادت و غیر معمول است. «به هم ریختن بافت نحوی به شرط رسانگی و زیبایی، می‌تواند خود آشنایی زدایی محسوب شود.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

به کار بردن جملات معترضه

مهم‌ترین و پرکاربردترین نوآوری منزوی در قسمت نحو، به کار بردن جملات معترضه است. معمولاً جملات معترضه به گونه‌ای هستند که اگر حذف شوند به معنای جمله آسیبی نمی‌رسد؛ ولی جملات معترضه منزوی به گونه‌ای هستند که اگر حذف شود معنی جمله با مشکل مواجه می‌شود. مثلاً جمله معترضه در نمونه زیر:

کلمه -گرفتم این که خدا بود یا نبود- من از دم تو روح دمیدم کلام را (۳۹۹)

تکرار

از دیگر نوآوری‌های منزوی در سطح جملات تکرار است. مانند «نشکنیای کوزه سفالی عاشق» در بیت زیر:

نشکنی ای کوزه سفالی عاشق! شیشه عمر منی، نه آینه دق

تا که به چشمش کشی مرا و بمانی نشکنیای کوزه سفالی عاشق! (۴۵۷)

۵-۳- نوآوری‌های آوایی (موسیقایی)

نوآوری‌های آوایی در سه سطح موسیقی بیرونی، موسیقی کناری و موسیقی درونی بررسی می‌شود.

۵-۳-۱- موسیقی بیرونی

«توجه به وزن غزل‌های منزوی تلاش وی برای تجربه‌های تازه‌تر در حیطة وزن عروضی، بر اساس پیشنهادهای نیما یوشیج را بیشتر آشکار می‌کند. نیما اصرار داشت که وزن شعر امروز به زبان طبیعی و روان مردم (دکلامه) نزدیک شود و شعر از ضرب‌آهنگ بدوی کلاسیک، فاصله بگیرد.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۹۱). موسیقی بیرونی غزل او ممتاز است. او در این زمینه صاحب تفکر و نظریه نو است. در این زمینه از شعر منزوی، باید دقت و حساسیت بیشتری نشان داد؛ زیرا منزوی اوزانی تازه و نو پدید آورده است. چهار وزن عروضی، رمل، هزج و مضارع و مجتث، را بیش از سایر بحرهای به کار برده است. منزوی در یک غزل طول و اندازه مصرع‌ها و ابیات را متفاوت آورده است و در سرودن ابیات خود وقف‌ها و مکث‌هایی ایجاد کرده تا موسیقی ای خاص و جدید در اشعار و به خصوص در غزل خویش ایجاد کند.

منزوی به اوزان جدید و تازه در غزل خود عنوان «اوزان نامطبوع و نامتعارف» داده است. «خانم بهبهانی در غزل‌های بعد از رستاخیز شروع به تجربه در وزن‌های غیر متعارف کردند (به قولی اوزان نامطبوع) و بنده درباره این وزن‌ها نظرم این است که: تنها مزیت این وزن‌ها همان نامتعارف بودنشان است، وگرنه جز نقض غرض نیست. خواننده شعر اگر خواننده عادی باشد، باید دوسه بار غزل را بخواند تا وزنش را بداند و سپس در بار چهارم در پی دانستن این باشد که شاعر در این وزن غریب چه حرفی زده است؟ چه اصراری است که اسب رام را کنار بگذارم و زین بر توسن لگدزنی بزنیم که تنها مزیتش در این است که قبلاً کسی از آن سواری نگرفته؟ بگذریم... در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶، من پاره‌ای از این اوزان را آزمودم (چون نیما گفته بود که در شعر امروز، باید به آهنگ زبان محاوره نزدیک باشد، - دکلاماسیون طبیعی کلام-) و نتیجه‌اش هم بد نبود و سه چهار نمونه‌اش هم چاپ شد.» (منزوی، ۱۳۸۷: ۲۵).

منزوی اصرار ندارد که تمام کارهایش در این اوزان ناآشنا و گاه واقعاً نامطبوع بوده است؛ ولی نکته قابل توجه در غزلیات منزوی نوآوری اوست که با توانایی توانسته طول مصرع‌ها را برهم بزند و وقفه‌هایی ایجاد کند که به شعرش جلوه‌ای خاص بدهد. «از ویژگی‌های بارز شعر همین دهه، توجه به قابلیت سخته‌های وزنی در القای موسیقی مطلوب ذهنی شاعر است. منوچهر نیستانی که از فرمالیست‌ترین نوپردازان این دوره است، از آغازگران موفق این نوع تجربه است. این شاعران با استعداد نهفته‌ی سخته‌ها و سکوت‌ها توانسته‌اند راه نوظهوری را در تازه کردن روایت شعر، پیش روی شاعران امروز بگذارند که بعد منزوی از پیش روان این راه نوظهور شد.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۹۱ و ۹۲).

نگارنده برای پی بردن به این موضوع که منزوی به چه اوزان و بحوری بیش از سایر اوزان دلبستگی داشته است؟ سی غزل از دفترهای گوناگون شاعر را به شکل اتفاقی برگزیده و در آن محور مختلف بررسی نموده است. حاصل این بررسی چنین است:

بحر رمل (۹ غزل)؛ بحر مجتث (۸ غزل)؛ بحر هزج (۵ غزل)؛ بحر مضارع (۴ غزل)؛ بحر رجز (۲ غزل)؛ بحر سریع (۱ غزل)؛ بحر منسرح (۱ غزل). بررسی‌های انجام شده نشان داد که بحر رمل و مجتث که دارای ریتم بیشتری هستند، بیشتر استفاده شده است.

۵-۳-۲- موسیقی کناری

در غزل منزوی نیز مانند سایر غزلسرایان معاصر، ردیف و قافیه جایگاه خود را دارد. منزوی قافیه را زنگ کلامی می‌داند و از پافشاری نمودن بر این که ردیف ابیات شعرش تصنعی و مشکل باشد دوری می‌کند.

قافیه زنگ کلام است آری اکنون بشنوید رنگ حسرت می‌زند در قافیه، افسوس مان (۲۵۰)

وی در مقدمه «از شوکران و شکر» نسبت به نوع قافیه و ردیف در غزل معاصر چنین اظهار نظر می‌نماید: «غزل امروز، باید ردیف‌های تصنعی را کنار بگذارد. حتی اگر بتواند ردیف را کنار بگذارد. چرا که ردیف تا حدی قابل پیش بینی شدن بیت را باعث می‌شود. به خصوص اگر ردیف، اسم یا صفت است. شاعر ملزم نیست که از تمام قافیه‌های موجود استفاده کند و این چیزی است که بسیاری از غزل‌سرایان معاصر را گاهی لغزنده است. این التزام بیهوده است؛ همانطور که عکسش. یعنی همانطور که شاعر ملزم به استفاده از تمام قوافی نیست ملزم به این هم نیست که از یک قافیه، دوبار استفاده نکند. خوب اگر احتیاج داشته باشد که حرفی را بزند، چه عیبی دارد که از یک قافیه، دو بار هم در یک غزل استفاده کند؟» (منزوی، ۱۳۸۷: ۲۲).

منزوی به ردیف و موسیقی که از آن در غزل بوجود می‌آید، معتقد بوده و تا حد امکان در غزل‌های خود از ردیف استفاده نموده است. منزوی از ردیف‌های ساده و کوتاهی مانند راه، ما، تو، ام، ای استفاده کرده است. این گونه ردیف‌های کوتاه و ساده در شعر منزوی دارای بسامد بالایی است. در میان قافیه‌های غزل‌های منزوی به تکرار قافیه نیز دیده می‌شود.

۵-۳-۳- موسیقی درونی

توجه منزوی به قافیه درونی در غزل، باعث افزایش موسیقی درونی این غزل‌ها شده است. غزل شماره ۸۶ و ۹۶ از مجموعه اشعار مصداق این گونه موسیقی درونی شعر منزوی است.

غزل منزوی از موسیقی برخاسته از تناسب میان حروف و کلمات که موسیقی درونی نامیده می‌شود، پر و سرشار است. منزوی از طریق موسیقی بوجود آمده از تکرار یک حرف یا چند حرف خاص به واج آرایه رسیده است؛ بنابراین آرایه‌هایی چون: تکرار، واج آرایه و انواع جناس و اشتقاق در شعرش بیشتر یافته می‌شود. مثل این بیت زیر که منزوی از یک دو حرف هم توانسته کلمات هم جنس را در کنار هم جای دهد و هم با تکرار حرفی خاص «واج آرایه» ایجاد کند و هم با ترکیب معاد موعود، هم آوایی و هم جناس اشتقاق و ایجاد کند.

دوباره دیدنت ای جان معاد موعود است قیام قامت قدیسیت، قیام من است (۶۴)

همچنین ترکیباتی چون پرسه‌های عصرانه، اشک شوق، پاره و پریشان، شیوه شیرین، خط خون، کنایه‌های کفن، سیمین صورتش، زندان زمین، خورشید رخشا، نگاه نگران و... که در مجموعه اشعار معمولاً به چشم می‌خورند. از آنجایی که بیشترین بسامد مربوط به واج آرایه و تکرار است، این دو آرایه به طور جداگانه بررسی می‌شود.

واج آرایه

واج آرایی یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله و بر دو نوع است: «هم حروفی و هم صدایی» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۹). که نمونه‌های آن بسیار است از جمله هم حروفی صامت «س» در بیت زیر:

ای همه دستان ز تو و مستی مستان همه تو رمز میستان همه تو، راز نیستان همه تو (۶۵)

منزوی از راز هم حروفی و هم صدایی آگاه بوده و توانسته با استفاده از آن‌ها در اشعارش در ذهن خوانندگان تأثیر بگذارد.

تکرار

تکرار یکی از عناصر موسیقی آفرین در شعر محسوب می‌شود. شفیعی کدکنی در این باره می‌گوید: «بنیاد جهان و حیات انسان، همواره بر تنوع و تکرار است. تپش قلب و ضربان تا شد آینه روز و شب و توالی فصول، و در نسبت خاصی از این تنوع و تکرارهاست که موسیقی مفهوم خویش را باز می‌یابد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ۳۹۰).

تکرار یکی از شیوه‌های نوآوری و برجسته سازی است. منزوی از این مسأله آگاه است و با آوردن تکرار توجه خواننده را جلب می‌کند. او می‌داند که تکرارهای منظم و پی در پی احساس نشاط ایجاد می‌کند. تکرار یا در سطح حرف صورت می‌گیرد، یا در سطح واژه و یا در سطح جمله.

۱. تکرار در سطح حروف: تکرار در سطح حروف همان آرایه واج آرایی است که درباره آن توضیح داده شد و نمونه‌هایی نیز آورده شد.

۲. تکرار در سطح واژه: تکرار در سطح واژه، در غزل‌های حسین منزوی به وفور یافت می‌شود. به عنوان نمونه تکرار واژه «شب» (۳۵)؛ «آینه» (۳۹۰)؛ «گل» (۳۹)؛ «جوشیدن» (۲۸۰)؛ «خون» (۱۱۱) و

۳. تکرار در سطح جمله: مانند تکرار جمله «... من کو» و «آن که صد... دارد» (۴۸۳)؛ تکرار دو جمله «خواهی آمد» و «خواهد بود» (۱۳۳) (ر.ک. مدرسی و کاظم زاده، ۱۳۹۰) با توجه به نمونه‌های آورده شده می‌توان گفت: تکرار از آرایه‌های مورد توجه و علاقه منزوی بوده و در اشعار وی بسامد بالایی داشته است. این تکرارها در سه سطح حروف، واژه و جمله صورت گرفته است.

۵-۴- نوآوری‌های بلاغی

نوآوری بلاغی حسین منزوی در دو بخش بیان و بدیع بررسی می‌شود.

۵-۴-۱- بیان

علم بیان ملکه‌ای است که از طول ممارست قواعد فن بیان حاصل می‌گردد که به واسطه آن ادراکات جزئی که منشا قواعد کلی است، درک می‌شود (تفتازانی، بی تا: ۲۵۷؛ نقل از فشارکی، ۱۳۸۸: ۲) و هدف اصلی آن است که «اندیشه را با انگیزه درآمیزد» (کزآزی، ۱۳۷۵: ۳).

روزبه درباره بیان در اشعار حسین منزوی می‌گوید: «صور خیال منزوی اگرچه غالباً تازه و لطیف و شسته رفته‌اند اما از حیطة تخیلات عاشقانه صرف فراتر نمی‌رود و مداری یکسان دارند و گاهی خواننده را به فضای شعر «امروالقیس» و «عمر بن ابی ربیع» می‌کشاند.» (روزبه، ۱۳۷۸: ۶۰) زبان غزل منزوی زبانی نو و تازه است. در اشعارش استعاره‌ها و تشبیهات به سبکی خاص دیده می‌شود. او مضامین سنتی را در خدمت شعر نو آورده است و اما بررسی صور خیال در شعر حسین منزوی:

تشبیه

انواع تشبیه در اشعار منزوی دیده می‌شود که به چند نمونه اشاره می‌شود:

تشبیه مفصل: به بام انس تو خو کردم چو کفتر جلد (۲۸۲)/ تشبیه بلیغ (اضافه تشبیه‌ی): رشته زلف (۱۶۵) / تشبیه مفرد به مرکب: تو مثل خنده گل، مثل خواب پروانه (۳۴)/ تشبیه حسی به حسی: تصویر ماه، چون صورتت جلوه دهد قاب برکه را (۳۳۷)/ تشبیه عقلی به عقلی: دل تنگ من همچو دل غریب گرفت (۱۲۲)/ تشبیه خیالی: دریای عشق (۳۸۰)/ تشبیه مضمراً: چشم به نرگس (۳۶۶) و ...

نکته مهم در باب تشبیهات منزوی یا به عبارتی دیگر نوآوری منزوی در این زمینه این است که او تشبیهات کهنه و قدیمی را با زبانی نو بیان کرده است. فرهادی در این زمینه می‌گوید: «بخشی از تشبیهات منزوی در غزل‌ها، اساسی کهنه و کلیشه‌ای دارد که او با شیوه‌ها و شگردهایی مختلف، آن‌ها را در جامه و پوششی نو ارائه می‌دهد. برای مثال شاعر (عاشق) در تشبیه خود به لاله داغ دیده - که تشبیهی کاملاً کلیشه‌ای است - با استفاده از صنعت تشخیص و اسناد صفاتی نو و بدیع، این گونه نو آوری می‌کند: چون لاله‌های به خون شسته جامه‌های عزا / منم کنون و صف داغ دیدگان به کنارم» (فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

استعاره

استعاره در واقع تشبیهی موجز و فشرده است که تنها «مشبه به» آن باقی مانده باشد. نمونه‌هایی از استعاره در اشعار منزوی:

استعاره مکنیه: دست غارت عشق (۲۰۴)/ استعاره مرکب: باد کاشتن (۲۹۴)/ جامه ز تن برون کردن غنچه به معنی شکفتن (۱۱۰) و «جامه دریدن گل» (۱۰۴).

تشخیص (جان بخشی): در این استعاره شاعر با نیروی خیال خویش به عناصر بی‌جان جان می‌بخشد. نگاه هنری به پدیده‌های طبیعی موجب آفرینش پدیده‌های زبانی متفاوتی می‌شود. منزوی به خاطر ارتباط عمیقش با طبیعت و محیط پیرامون، ابزار لازم را برای تصویر سازی در شعرش فراهم می‌بیند. شاعر برای پویانمایی تصاویر شعری از تمامی عناصر طبیعت بهره می‌گیرد و در برخورد با این عناصر عکس العمل‌هایی از خود به نمایش می‌گذارد (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). نمونه‌هایی از تشخیص در شعر منزوی: ریشه سرو روان با خاک صحبت می‌کند (۱۵۷)/ جوی خشک و برکه خالی حکایت می‌کنند (۱۵۷)

مناداهای استعاری: مناداهای استعاری در شعر حسین منزوی از بسامد بالایی برخوردارند و خطاب شاعر به معشوق است: ای غنچه دمیده من! ای نباریده به صحرای نیازم! خورشید من! ستاره من! باغ من! - سلام ای زندگی بخش آفتاب من! - گواری من! مادیان من - ای مشرق من! و... در واقع زیباترین و دلخواه‌ترین تصاویر را به منصفه ظهور می‌گذارد و اعلام نیازی است که به معشوق و بودن در کنار او حس می‌کند. منزوی از این استعاره‌ها معمولاً برای توصیف معشوق استفاده می‌کند و در واقع تصاویر نو و جدیدی ارائه می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶). در اشعار منزوی استعاره پس از تشبیه بیشترین کاربرد را داشته است. این آرایه «در غزل منزوی کارکردی روشن‌گرانه دارد و به عنوان شیوه و ابزاری برای بیان مبرهن و مؤثر مقاصد شاعر و مفاهیم مورد نظر وی به کار می‌رود و تأثیر و نفوذ کلام را در خواننده و شنونده افزایش می‌دهد. این ویژگی از آن جا ناشی می‌شود که منزوی غالباً از استعاره‌های مصرحه و در مواردی نیز از استعاره‌های مکنیه ساده و زود فهم استفاده می‌کند و از کاربرد استعاره‌های مشکل و دور از ذهن، و استعاره‌هایی که نوعاً و ماهیتاً باعث دشواری و دیریابی می‌شوند نظیر (استعاره عنادیه و مکنیه تخیلیه)، خودداری می‌کند.» (فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۳۹-۳۴۰).

کنایه

کنایات به کار گرفته شده در شعر منزوی صورتی کهن و سنتی دارند، دقت و نگاه ژرف او در این کنایات صمیمیتی خاص به شعرش بخشیده است. البته، بیشتر این کنایات به خاطر رایج بودن در زبان محاوره قدرت تأثیر و خیال انگیزی خود را از دست داده‌اند؛ اما منزوی با کاربرد به جا و استادانه آن‌ها، صمیمیت و گیرایی به شعر خویش بخشیده است. به عنوان نمونه: آستین افشاندن: کنایه از دوری کردن (۳۸۶).

مجاز

مجاز از مهم‌ترین، گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث بلاغی است. مجاز در شعر منزوی یکی دیگر از ابزار صور خیال است. او از انواع مجاز در شعر خویش بهره برده است. نمونه‌های مجاز در شعر منزوی: از زمانی که ملائک خاک را تعظیم می‌کردند (۳۲۰) خاک مجاز از انسان است (مجاز به علاقه ماکان) / کاین شهر از تو می‌شنود داستان من! (۳۷۸) شهر مجاز از مردم شهر است (مجاز به علاقه محل) / چراغ صاعقه را برخی ظلام مکن (۴۰۰)، چراغ مجاز از نور است. (مجاز به علاقه ملازمت: که در شعر حسین منزوی بالاترین بسامد را دارد).

۵-۴-۲- بدیع

دانش بدیع دربارهٔ چگونگی آرایشهای لفظی و معنوی کلام سخن می‌گوید. آرایشهای بدیعی به دو دسته آرایشهای لفظی و معنوی تقسیم می‌شود:

• آرایشهای لفظی

که در قسمت موسیقی درونی در مورد آن صحبت شد.

• آرایشهای معنوی

آرایشهایی معنوی چون تلمیح، تناسب (مراعات نظیر)، ایهام، ایهام تناسب، تضاد و پارادوکس و . . . شکل دهنده موسیقی معنوی شعر به شمار می‌آیند که معمولاً شعر درجه اول از یک چنین آرایشهایی برخوردار است. منزوی در این زمینه و از اشعار قدما پیروی نموده است. وی به روابط و تناسب معنایی و لفظی لغات و ترکیبات قدیمی شعر فارسی آگاهی داشته، و با دخل و تصرف در کهن‌الگوها به نوآوری در غزل دست یافته است.

۱- تلمیح: لازمه پی بردن به مفهوم بی‌تی که در آن تلمیح به کار رفته، این است که شنونده و خواننده از قبل با اصل داستان، افسانه، حدیث و... آشنایی داشته باشد. نگارنده پس از مطالعه اشعار منزوی با تلمیحات بسیاری مواجه شد که به طور اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

تلمیحات قرآنی: یکی از حوزه‌های تلمیح در غزلیات منزوی است.

قسم به صاحب قلم، که غیر غم رقم نزد و یا زد و برای من، رقم به غیر غم، نزد (منزوی، ۱۳۹۱، ۳۵۴) که تلمیح دارد به آیه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم / ۱)

تلمیحات دینی: این نوع تلمیح در اشعار منزوی بسیار به کار رفته است. همچون تلمیح به داستان حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت یوسف (ع) و ... که در این میان بالاترین بسامد به داستان حضرت موسی (ع) اشاره دارد.

تلمیحات تاریخی: در غزلیات منزوی تلمیحات تاریخی هم دیده می‌شود. مانند تلمیح به زندگی منصور حلاج، قیام سربهداران و قیام بابک خرم‌دین.

تلمیحات اسطوره‌ای: اسطوره‌ها، به ویژه اساطیر ایرانی جایگاهی ویژه در شعر فارسی دارد. شاعر معاصر «در انطباقی فعال با نیازهای زمان خویش، اساطیر جهانی یا ملی- میهنی را با ذهنیات خاص خویش بازآفرینی می‌کند.» (رشیدیان، ۱۳۷۰، ۹۱). برخی از تلمیحات اسطوره‌ای به کار رفته در اشعار منزوی: اسطوره رستم و داستان مرگ او، آرش کمان‌گیر، فرهاد و شیرین و ...

«در غزل منزوی بیشتر تلمیحات رنگ اسطوره‌ای دارند؛ اما با نمایش تازه و کارکردی متفاوت. وی با دخل و تصرف و ترکیباتی که در موتیف‌های اسطوره‌ای و داستانی انجام داده، مضامین بکر و بدیعی خلق کرده است که می‌تواند یکی از شاخه‌های زیبایی‌شناسی نوین، راه‌گشایی کند و به باوری و ایجاد پشتوانه فرهنگی و اندیشگی آثار کمک شایانی کند» (عبدی، ۱۳۸۹، ۲۶۹).

۲- پارادوکس: پارادوکس که سخن گفتن از متضادهاست و در موسیقی معنوی شعر موثر است. «پارادوکس را باید یکی از بدیعیات نو در غزل منزوی به شمار آورد؛ زیرا این فن بدیعی با وجود قدمت و رواج دیرینه‌اش در میان گویندگان بزرگ، بویژه غزل پردازان سبک عراقی، کاربرد آن در آثار و اشعار نوپردازان و شاعران عصر حاضر وسعت و عمومیت می‌یابد به طوری که می‌توان به عنوان یک خصیصه سبکی در شعر معاصر از آن یاد کرد.» (فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۳۴-۳۳۵).

منزوی به اهمیت پارادوکس در شعر آگاه است و از این آرایه در برجسته‌تر نمودن اشعارش بهره می‌برد. نکته مهمی که در پارادوکس‌های منزوی به چشم می‌خورد «طبیعی و روان بودن آن‌هاست. بیان متناقض بدون این که کم‌ترین اخلاقی در طبیعت زبانی روان منزوی ایجاد کند یا موجب گره و سکت‌های معنایی شود، در خدمت عمق و فضای غزل اوست.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). و اما نمونه‌های پارادوکس در اشعار منزوی: «دور و نزدیک» و «سرگشته و آرامش» (۴۰۷)؛ «فصل و وصل» و «نوش با نیش» (۲۲۳)

۳- ایهام: از دیگر شگردهای بدیع معنوی شعر منزوی، به کار بردن ایهام و انواع آن است. آگاهی شاعر در این زمینه بر موفقیت ایهام‌هایش می‌افزاید. منزوی به ایهام توجه خاص دارد و غزلش را از این آرایه معنوی خالی نگذاشته است. مانند «هوا» و «کف زدن» در ابیات زیر:

سر پرواز ندارم به سویت جز با عشق که هوای تو پر و بال قفس می‌شکند (۱۵۴)

وقتی به ساحل آمدی، امواج ، با لهله برای تو کف زد (۴۶۴)

۴- حس آمیزی: حس آمیزی آن است که شاعر حواس را با هم بیامیزد. حس آمیزی از دیگر آرایه‌های معنوی شعر منزوی است که شاعر به کمک آن به غزلش زیبایی بخشیده است. در هم آمیختن دو حس بینایی و شنوایی در غزل‌های منزوی بیشتر به چشم می‌خورد. البته در بیت زیر دو حس بینایی و چشایی درهم آمیخته.

ای دوست ای صدای درخشانت آشفته خواب‌های سیاهم را (۱۰۰)

۶- نتیجه‌گیری

آنچه که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت، نوآوری‌های حسین منزوی در غزل است و تلاش شد که این نوآوری‌ها در چهار سطح زبانی، نحوی، آوایی (موسیقایی) و بلاغی بررسی شود. نتایج حاصل از این بررسی به صورت زیر است:

- حسین منزوی در سطح زبانی با توجه به باستان‌گرایی (آرکائیسیم)، کاربرد لغات کهن و نو در کنار هم، کاربرد واژگان بومی و محلی، مرکب، کم کاربرد عصر حاضر، موسیقایی، اسطوره‌ای و تلمیحی دست به نوآوری‌های زیبایی زده است. در بخش ترکیبات نیز با آوردن ترکیبات نو و سنتی ترکیب و همچنین کاربرد این واژگان در کنار هم دست به نوآوری زده است.

- در سطح نحوی نیز بررسی‌های فعل، قید، حرف، عبارت فعلی و جمله نشان می‌دهد ساختار نحوی کهن به تقلید از سبک خراسانی از ویژگی‌های شعری اوست و ساختمان نحوی اشعار سالم و روان است.

- سطح آوایی یا موسیقایی اشعار منزوی در سه بخش بررسی شد. در بخش موسیقی بیرونی، اوزان غزلیاتش در چارچوب وزن است، بحر رمل، مضارع و هزج به ترتیب بیشترین بسامد را دارند. در بخش موسیقی درونی، به واج آرائی و هم‌نوایی حروف بسیار زیاد اهمیت می‌دهد و بسامد این آرایه بالاست. در اشعار او جناس و تکرار و انواع آن بسیار به کار رفته و تکرار به عنوان شاخصه‌ی سبکی وی محسوب می‌شود. در بخش موسیقی موسیقی کناری، مقید بودن به ردیف و قافیه در غزل و کاربرد ردیف‌های فعلی در سطحی فراگیر از ویژگی‌های اشعار منزوی می‌باشد.

- در سطح بلاغی، در بخش بیان، آوردن مضامین نو در تشبیهات و استعارات، بسامد بالای کنایه‌ها، استفاده از خطاب‌های عاشقانه برای ایجاد استعارات ندایی، استفاده از واژگان خشن در استعارات از نوآوری‌های منزوی است. همچنین در اشعار او عشق‌پر بسامدترین لفظ استعاره ساز است. در بخش بدیع، استفاده از پارادوکس، تلمیح (به اشخاص علمی و ادبی)، تضاد و تناقض در بسامدی بالا، استفاده از ایهام، گره خوردگی آرایه‌های ادبی با موضوعات کهن و تلفیق آن با نوآوری از ویژگی‌های شعر منزوی می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد بیشتر نوآوری‌های زبانی بیشتر در سطح واژگان صورت گرفته است. به یقین می‌توان گفت: حسین منزوی از معدود شاعرانی است که با نوآوری‌های خود حیاتی تازه به غزل بخشید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امین پور، قیصر (۱۳۸۳)، سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی فرهنگی.
۳. باقری، مه‌ری (۱۳۷۸)، مقدمات زبان شناسی، تهران: قطره.
۴. جواهری گیلانی (شمس لنگرودی)؛ محمدتقی (۱۳۸۲)، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
۵. حسن لی، کاووس (۱۳۸۳)؛ گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)؛ لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رشیدیان، بهزاد (۱۳۷۰)، بینش اساطیری در شعر فارسی، تهران: گستره.
۸. روزبه، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ سیر تحول در غزل فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
۹. (۱۳۸۱)؛ ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران: روزگار.
۱۰. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۴)؛ «بررسی ویژگی‌های سبکی کویر شریعتی»، پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۴۶ و ۴۵، ۸۳-۱۰۰.

۱۱. سجودی، فرزانه (۱۳۷۷)؛ «هنجارگریزی در شعر سهراب»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۲، ۲۰-۲۳.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ موسیقی شعر، چ سوم، تهران: آگاه.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)؛ بیان، تهران: میترا.
۱۴. (۱۳۸۰)، نقد ادبی. تهران: انتشارات فردوس.
۱۵. (۱۳۸۴)، نگاهی به بدیع، تهران: میترا.
۱۶. صفوی، کوروش (۱۳۷۳)؛ از زبان‌شناسی به ادبیات، چ اول، تهران، چشمه.
۱۷. (۱۳۹۰)؛ از زبان‌شناسی به ادبیات، ج (۲ و ۱)، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۱۸. عبدی، سالار (۱۳۸۹)؛ نام او عشق است آیا می‌شناسیدش؟؛ نقد و تاملی بر شاعرانگی حسین منزوی، تهران: ابتکار دانش.
۱۹. فرهادی، نوازالله (۱۳۹۲)، «نوآوری‌های منزوی در غزل»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال چهاردهم، شماره ۲۶.
۲۰. فشارکی، محمد (۱۳۸۸)؛ «علم بیان»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره دوم، تابستان، ۱-۱۰.
۲۱. کاخی، مرتضی (۱۳۷۰)؛ باغ بی‌برگی، یادنامه اخوان ثالث، تهران: انتشارات آگاه.
۲۲. کاظمی، روح‌الله (۱۳۸۸)؛ سیب نقره‌ای ماه / نقد غزل‌های حسین منزوی، چ اول، تهران: مروارید.
۲۳. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۵)؛ زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۱) / بیان، تهران: نشر مرکز.
۲۴. منزوی، حسین (۱۳۸۵)؛ از شوکران و شکر، چ ۳، تهران: آفرینش.
۲۵. (۱۳۸۷)؛ حنجره زخمی تغزل، تهران: آفرینش.
۲۶. (۱۳۹۱)؛ مجموعه اشعار، به کوشش فتحی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
۲۷. نیرومند، کریم (۱۳۴۷)؛ سخنوران و خطاطان زنجان، زنجان: مؤسسه مطبوعاتی زعفری.
۲۸. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴)، دانش‌نامه نظریه ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.